

# زبان زنان

بررسی زبان زنانه در نمایشنامه‌های  
نغمه ثمینی و چیستا یثربی

دکتر محمد نجاری

با همکاری ویدا بابالو



نشر اختران

## فهرست مطالب

۹	سرسخن
۱۱	دیباچه
۱۵	فصل اول: زبان، زن، زبان زنانه
۱۶	زبان
۲۱	زن
۲۷	فمینیسم
۳۳	زبان زنانه
۴۱	ویژگی‌های زبان زنانه
۴۷	فصل دوم: مروری بر زندگی و آثار چیستا یثربی
۴۸	زندگی و آثار چیستا یثربی
۵۱	جوایز
۵۲	آثار
۵۷	خلاصه، بررسی و تحلیل نمایشنامه‌های چیستا یثربی
۵۷	راحیل
۶۰	دخترک شب طولانی
۶۳	سرخ سوزان
۶۶	شعبده و طلسم
۷۰	برخورد نزدیک از نوع آخر
۷۴	گزیده ادبیات معاصر (نقل زنان سنگی و...)
۷۵	نقل زنان سنگی
۸۱	دوستت دارم با صدای آهسته
۸۵	دو مرد و یک نیمکت

## سر سخن

در سرزمینی که بسیاری از روایات هنوز سینه به سینه منتقل می‌شوند و ادبیات داستانی هنوز جای شایسته‌ی خود را پیدا نکرده است، نوع ادبی ادبیات نمایشی هم در دانشکده‌های هنری تدریس می‌شود تا بسیاری از دانش‌آموختگان این رشته با آثار برجسته‌ی ادبیات غنی ایران آشنایی مختصری هم نداشته باشند؛ اما جای بسی خشنودی است که گاهی دانشکده‌های ادبی گوی سبقت را از دانشکده‌های هنری گرفته و مطالعات بین‌رشته‌ای را آغاز کرده‌اند. از میان این دانشکده‌ها، باید به دانشکده‌ی ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب اشاره کرد که با سنگ بنای محکم علمی استادان برجسته‌اش، پیشگام بسیاری از پژوهش‌های کلاسی و پایان‌نامه‌ها، در حوزه‌ی مطالعات بین رشته‌ای سینما/ تاتر و ادبیات است.

مهربانی خداوند باعث شد که این دانش‌آموخته‌ی پیشین سینما، مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در این دانشکده بگذرانند و پس از دفاع از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان: «تجلی سیمای حسین بن منصور حلاج در آیین‌های ادبیات نمایشی» با راهنمایی استاد فرزانه دکتر کامل احمدنژاد و مشاوره‌ی هنرمند فرهیخته دکتر اردشیر صالح‌پور، در همان دانشکده در مقام استاد مدعو مشغول تدریس شود. تحصیل همزمان در مقطع دکتری نیز دلیل دیگری شد تا بسیاری از دوستان و همکلاسان پیشین، راهنمایی و مشاوره‌ی پایان‌نامه‌ی خود را با نام و بی‌نام، به این دانشجوی به‌صورت جوان، واگذار کنند. این

۸۷	هتل عروس
۹۰	مُحاله فکر کنید این طوری هم ممکنه بشه!
۹۲	بادها برای که می‌وزند؟
۹۴	یک شب دیگر هم بمان سیلویا
۹۶	پرنده باز باغ مادر
۹۸	زنان مهتابی، مرد آفتابی
۱۰۳	دو مرغ آخر عشق
۱۰۸	زنی که تابستان گذشته رسید
۱۱۳	پشت سایه‌های کاج
۱۱۵	آخرین پری کوچک دریایی
۱۲۰	چشم‌هایش می‌خندد
۱۲۳	پری خوانی عشق و سنگ
۱۲۶	با صحرا بخوان بی صدا
۱۲۹	جریره
۱۳۱	مردی که نبود
۱۳۵	فصل سوم: مروری بر زندگی و آثار نغمه ثمینی
۱۴۹	آثار
۱۵۱	خلاصه، بررسی و تحلیل نمایشنامه‌های نغمه ثمینی
۱۵۱	بدون خداحافظی
۱۵۵	خواب در فنجان خالی
۱۵۸	افسون معبد سوخته
۱۶۲	شکلک
۱۶۵	خاله ادیسه
۱۶۸	تلخ‌بازی قمر در عقرب
۱۷۲	اسب‌های آسمان خاکستر می‌بارند
۱۷۵	فصل چهارم: بررسی زبان زنانه در نمایشنامه‌های نغمه ثمینی و چیستا یثربی
۲۰۵	کتاب‌نما

پژوهش حاصل یکی از آن همکاری‌هاست که سرکار خانم ویدا بابالو در تهیه منابع و نمونه‌خوانی، یاور پژوهشگر بودند.

بر خود واجب می‌دانم از راهنمایی استادان گرانقدر دکتر احمد ابومحبوب، دکتر اردشیر صالح‌پور و دکتر یوسف محمدنژاد عالی زمینی سپاسگزاری نمایم که چراغ این پژوهش در دست ایشان بود.

سپاس ویژه‌ی خود را نثار خانم‌ها مه‌بود مهرنوش و مریم افشار که ویرایش کتاب را انجام دادند و سرکار خانم مریم طاهریان که بسیار پیگیر انتشار این اثر بودند می‌نمایم و قدردان دوستان بزرگوارم آقایان جواد تولمی - مدیر محترم کتابخانه تاترشهر - و محمد (شهرام) صمدی - سرپرست محترم معاونت هنری فرهنگ و ارشاد شهرستان قزوین - هستم که در فراهم آوردن نمایشنامه‌ها یاری بسیار کردند.

در پایان آرزو مندم که نمایش و نمایشنامه‌نویسی در دنیای معاصر راهی برای خاموشی صدای گلوله‌ها، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و ادیان و اقوام بگشاید و نمایشنامه‌نویسان ایرانی، همچون بزرگان ادبی ایران زمین، پیام صلح و نوع‌دوستی ایرانیان را به جهانیان برسانند.

با آرزوی صلح پایدار در جهان

محمد نجاری

خرداد ۱۳۹۴ - تهران

mohamadnajari59@gmail.com

## دیباچه

نمایش‌هایی که در آغاز روی صحنه می‌رفت، بیشتر بر پایه‌ی بداهه - گویی استوار بود و این خود بازیگران بودند که خطوط اصلی داستان و نمایش را مشخص می‌کردند، «اساس نمایش‌های نمایشگران عامی - که دانش نوشتن نداشتند - بداهه‌گویی و آفرینش حضوری بوده است نه نسخه‌های از پیش آماده شده. این نمایش‌ها سینه به سینه و نسل به نسل با تغییراتی تکرار می‌شده است تا روزی که فراموش شود» (بیضایی، ۴۷: ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، تقلیدهای زنانه و بازی‌های شادی‌آور که روزگاری در اندرونی‌خانه‌ها موجبات سرگرمی بانوان را فراهم می‌کرد در بلندمدت تبدیل به یک سنت نمایشی شد و همزمان با راه یافتن زنان به صحنه‌ی نمایش، زنان نمایشنامه‌نویس نیز وارد این عرصه شدند.

با نگاهی به آثار نویسندگان زن به نیکی درمی‌یابیم از هنگامی که زن قلم به دست گرفت و تصمیم گرفت در عرصه‌ی هنر نویسندگی نیز در کنار مرد بایستد راه طولانی و دشواری را آغاز کرد. ابتدا شخصیت‌های موجود در نوشتارش تحت نفوذ و سلطه‌ی مرد بود و دارای تفکر و دیدگاهی مستقل نبود، به همین دلیل نوشته‌های زنان آن روز، نوشتاری مردانه و تحت سیطره‌ی فرهنگ و دیدگاه مردانه بود؛ چرا که زنان نویسنده الگوی نوشتن خود را بر پایه‌ی تقلید از مردان قرار داده بودند.

سرانجام زنان دریافتند که زبان مردان برای بیان هدف‌ها و تفکراتشان مناسب نیست و برای بیان اهداف و تفکرات خود به زبان دیگری نیاز دارند. در آغاز این راه، زن نویسنده شانه‌هایش را از زیر

بار رنج و ستم سالیان دراز سبک کرد و توفان‌های درونش را که در اثر بیدادهای مردان ایجاد شده بود مهار کرد و خشمش را به دست فراموشی سپرد و خود را در نوشته‌هایش فریاد زد و تمنای خود را در قلمش ریخت و به نوشته‌هایش منتقل کرد.

وقتی زن نویسنده به نگاه و سپس به زبان زنانه دست یافت، متن داستان‌هایش نیز دگرگون شد. او نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، تمایلات درونی و فیزیولوژی زنان را وارد نوشته‌هایش کرد و این نگاه را در قالب زبان زنانه عرضه کرد. او راه دشواری را طی کرد تا توانست از نگاه و زبان مردمحور فاصله بگیرد و زبان خاص و ویژه‌ای پیدا کند. پس ادبیات زنان در هر فرهنگ، شاخص خوبی برای درک پویایی آن فرهنگ است.

امروز زنان روشنفکر ایرانی، به جای انزوا و پرخاشگری، بیشتر چالش‌گرند و، به جای تقلید کورکورانه از سنت‌ها، به دنبال کشف راه‌های نو اند. در این میان زنان نمایشنامه‌نویس هم می‌کوشند به جای استفاده از شیوه‌های رایج تفکر و روایت، به کشف و شهودی تازه دست یابند و به قول ویرجینیا وولف، به جای تعصب، موعظه یا شعار در نوشته‌هایشان، به نوعی شالوده‌شکنی در بازگویی واقعیات اجتماعی روی آورند. (اکبرلو، ۱۳۸۸: ۹۳).

نمایشنامه‌نویسی زنان ایران در سال‌های اخیر دچار تحول اساسی شده است. زنان نمایشنامه‌نویس با نگاه منتقدانه، مدام واقعیات‌های موجود را مورد پرسش قرار می‌دهند و با نگاهی چالش‌گر و زنانه، در پی یافتن بهترین تصویر انسانی در جامعه‌ی خود هستند و در جست‌وجوی مطالبات انسانی، فرصت‌های برابر زندگی، و موقعیتی برای رشد و شکوفایی خودند و به‌آسانی از مشکلات جامعه سخن می‌گویند. آنان در زمینه‌ای می‌نویسند که به تمامی آن‌را زیسته و تجربه کرده‌اند.

زنان با شیوه‌ای که مرهون نگاه و سنت‌های ادبی زنانه است و زبانی که از تسلط و سلطه‌ی مرد و مردانه بودن تهی شده و ویژگی روحی و شخصیتی زن در آن جاری است، بسیاری از تابوهای جامعه و سنت‌های غلط را در نوشتارهای خود زیر سوال می‌برند و به غنی شدن تفکر و بالا رفتن سطح فرهنگ جامعه کمک می‌کنند.

این پژوهش نمایشنامه‌های دو تن از نمایشنامه‌نویسان زن معاصر — چیستا یثربی و نغمه ثمینی — را واکاویده و با تأکید بر ماهیت زبان زنان در آثارشان، به جست‌جوی زبان فراموش شده‌ای پرداخته که بی‌شک، بازتاب‌دهنده‌ی واقعیات‌های اجتماعی است.